

مهدی طالب‌پور، استاد مدیریت ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد در گفت‌وگو با «ایران»:

اسطوره ورزشی از عمق فرهنگ جامعه متولد می‌شود

گفت و گو

گروه ورزشی / پریسا غفاری - از هزاران سال پیش تا به امروز، ایران همیشه مملو از اسطوره‌هایی بوده که از دل مردم و فرهنگش برآمده‌اند. بعضی از این اسطوره‌ها با گذشت زمان کمرنگ شده‌اند، با این حال جامعه ایران هنوز به یک الگوی خوب و یک قهرمان واقعی نیاز دارد. آدم‌هایی مثل پوریای ولی و غلامرضا تختی همیشه در یادها مانده‌اند، چون فقط مدال نیاوردند، بلکه فراتر از ورزش، نصاد شدند، اما در دنیای امروز شرایط به کلی تغییر کرده تا حدی که پدیده اسطوره دیگر معنای سابق خود را ندارد. مهدی طالب‌پور، استاد مدیریت ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد معتقد است امروز در ایران، یک ورزشکار برای اینکه تبدیل به اسطوره بشود، به عواملی مثل «جذاب بودن از بیرون»، «افتخارآفرینی»، «ساختارهایی که اسطوره می‌سازند» و «امید دادن به مردم» نیاز دارد. برای بررسی شرایط موجود و علل ماندگاری اسطوره‌های ورزشی در گذشته و افول برخی از آنها و آینده اسطوره‌سازی در ورزش ایران با وی به گفت‌وگو پرداختیم که متن کامل آن را با هم می‌خوانیم.

تفاوت اسطوره ورزشی و قهرمان

ورزشی در جامعه ایران چیست؟

در جامعه ایران، «قهرمان ورزشی» به

فردی گفته می‌شود که با تلاش مستمر، انضباط فردی و مهارت‌های فنی، موفق به کسب افتخارات ملی و بین‌المللی می‌شود. چنین فردی عمدتاً به‌واسطه رکورد‌ها و پیروزی‌هایش مورد تحسین قرار می‌گیرد. اما «اسطوره ورزشی» مفهومی فراتر از قهرمانی دارد. اسطوره کسی است که واری کارنامه افتخاراتش، به نمادی هویتی و فرهنگی در جامعه تبدیل می‌شود. او اغلب از دل سختی‌ها و محرومیت‌ها برمی‌خیزد، منش و اخلاقتش الهام‌بخش یک نسل می‌شود و مردم درباره‌اش روایت‌هایی می‌سازند که گاه رنگی از افسانه و فراواقعیت به خود می‌گیرد.

به بیان ساده، قهرمان به‌واسطه پیروزی‌هایش محبوب می‌شود، اما اسطوره به‌خاطر تأثیر عمیقی که بر ذهن و فرهنگ جامعه می‌گذارد، ماندگار می‌ماند.

چه مؤلفه‌هایی یک قهرمان را به

اسطوره تبدیل می‌کند؟

اسطوره شدن، صرفاً به مدال‌آوری محدود نمی‌شود، بلکه حاصل تلفیقی از عوامل فرهنگی و اجتماعی است که در پنج محور خلاصه می‌شود. اول، «همذات‌پنداری جمعی»: یعنی مردم بتوانند زندگی او را بازتابی از رخ‌ها، تلاش‌ها و امید‌ها خود ببینند. قهرمانی که از بستر تماشای مردم برخاسته، برای جامعه باورپذیرتر و الهام‌بخش‌تر است. دوم، نقش‌آفرینی در بزنگاه‌های تاریخی»: حضور معنادار ورزشکار در مقاطع حساس — مانند جنگ تحمیلی، تحریم‌ها یا بلایای طبیعی — می‌تواند او به نماد مقاومت و همبستگی ملی بدل کند. سوم، «منش و شخصیت اخلاقی»: ویژگی‌هایی همچون فروتنی، غیرت، نوج‌دوستی و حمایت از اقدار محروم، جایگاه او را از یک قهرمان صرف فراتر می‌برد و به سرمایه‌ای اخلاقی برای جامعه تبدیل می‌کند. چهارم، «حماسه‌سازی روایی»: بازگویی داستان زندگی و افتخارات او توسط رسانه‌ها، خانواده‌ها و نسل‌های بعدی، به شکل‌گیری روایتی حماسی می‌انجامد که در مرز میان واقعیت و افسانه حرکت می‌کند و در حافظه جمعی ماندگار می‌شود و پنجم، «فرزشته‌ای شدن»»: اسطوره دیگر محدود به یک رشته ورزشی نیست؛ بلکه به نمادی فراگیر بدل می‌شود که ارزش‌ها و هویت یک ملت را نمایندگی می‌کند؛ همان‌گونه که پوریای ولی و غلامرضا تختی در تاریخ ایران به چنین جایگاهی دست یافته‌اند.

نقش فرهنگ ایرانی در شکل‌گیری

اسطوره‌های ورزشی چیست؟

فرهنگ ایرانی با مجموعه‌ای از ارزش‌های ریشه‌دارمانند جوانمردی، پهلوانی، غیرت، تواضع در برابر مظلومان و استنادگی در برابر ظلم نقش تعیین‌کننده در شکل‌گیری اسطوره‌های ورزشی دارد. در حافظه تاریخی ما، چهره‌هایی چون رستم، پوریای ولی و تختی نه صرفاً به دلیل قدرت جسمانی، بلکه به‌واسطه وفای به عهد، حمایت از ضعیفان و پایبندی به اخلاق در میدان نبرد، به الگوهای ماندگار تبدیل شده‌اند.

این پیشینه فرهنگی سبب می‌شود که تماشاگر ایرانی، ناخودآگاه، از قهرمان ورزشی خود انتظاری فراتر از پیروزی داشته باشد. او می‌خواهد قهرمانش منش پهلوانی داشته باشد؛ به حریف احترام بگذارد، از غرور کاذب پرهیز کند، نسبت به مسائل و مشکلات ملی بی‌تفاوت نباشد، با مردم هم‌دلی کند و حتی در مواقعی، صدای بی‌صدایان جامعه باشد.

براین اساس، ورزشکاری که صرفاً به کسب مدال اکتفا کند اما از این ارزش‌ها فاصله بگیرد، به‌سختی می‌تواند جایگاهی اسطوره‌ای یابد. در مقابل، ورزشکاری با منش پهلوانی — حتی با افتخارات کمتر — می‌تواند در دل مردم جای گیرد. به بیان دیگر، فرهنگ ایرانی به اسطوره‌های

ورزشی «روح پهلوانی» می‌بخشد، نه صرفاً

«بازوی قهرمانی».

آبامی‌توان از الگوهای نظری

جامعه‌شناسی برای تبیین

اسطوره‌سازی در ورزش ایران بهره

گرفت؟

برای تبیین فرآیند اسطوره‌سازی در ورزش ایران می‌توان به‌خوبی از مفاهیم نظری کلاسیک در جامعه‌شناسی بهره برد. نخست، مفهوم «سرمایه نمادین» مطرح می‌شود. بر اساس این دیدگاه، اسطوره ورزشی فردی است که انباشتی از افتخارات، شهرت و اعتبار اخلاقی در میان مردم کسب می‌کند. این سرمایه نمادین، در موقعیت‌های گوناگون — خارج از عرصه ورزش — قابل تبدیل به نفوذ اجتماعی و قدرت فرهنگی است. دوم، «گاریزما» یا جذب‌ه شخصی از اهمیت زیادی برخوردار است. اسطوره‌ها معمولاً دارای نفوذی فراتر از قواعد رسمی‌اند؛ به‌گونه‌ای که مردم به‌سبب شخصیت استثنایی و تأثیرگذارشان، با آنها گرایش عاطفی پیدا می‌کنند. سوم، «بازنمایی رسانه‌ای» نقش مهمی ایفا می‌کند. رسانه‌ها — از دسوسیما گرفته تا شبکه‌های اجتماعی — با بازنمایی لحظات پیروزی، شکست‌های دراماتیک، اشک‌ها و واکنش‌های انسانی و نیز رفتارهای فروتانه، ورزشکاران را از یک فرد عادی به نمادی اسطوره‌ای ارتقا می‌دهند. این فرآیند، رویداد ورزشی را از سطح یک واقعیت صرف، به روایتی معنادار، الهام‌بخش و گاه ایدئولوژیک تبدیل می‌کند. روایتی که می‌تواند حامل مفاهیمی چون همبستگی ملی یا همبستگی ملی بدل کند. در مجموع، اسطوره‌سازی در ورزش ایران نه پدیده‌ای تصادفی است و نه صرفاً حاصل عملکرد فنی؛ بلکه فرآیند تعاملی پیچیده میان سرمایه نمادین، گاریزمای فردی و بازنمایی رسانه‌ای است که همگی در چهارچوب ارزش‌های فرهنگی جامعه معنا پیدا می‌کنند.

چه نقش‌هایی برای رسانه‌های

جمعی (تلویزیون و شبکه‌های

اجتماعی) در اسطوره‌سازی

ورزشکاران قائل هستید؟

رسانه‌های جمعی در جهان امروز صرفاً گزارشگر رویدادها نیستند، بلکه به‌مهم‌ترین نهاد‌های تولید و بازتولید اسطوره تبدیل شده‌اند و هر یک با ابزار و منطق خاص خود براین فرآیند اثر می‌گذارند. تلویزیون با تکیه بر روایت‌های دراماتیک — مانند گل در ذائق پایانی، اشک شوق بر سکو قهرمانی، بازپخش مکرر سحنی‌های کودکی یک ورزشکار و برجسته‌سازی لحظات احساسی - روایتی رسمی، فراگیر و یکپارچه از اسطوره می‌سازد. در این چهارچوب، ورزشکار به نمادی ملی بدل می‌شود که اقدار مختلف جامعه، از نسل‌های مسن تا جوان، با او همذات‌پنداری می‌کنند. در مقابل، شبکه‌های اجتماعی فضایی مردمی‌تر، سریع‌تر و تعاملی‌تر فراهم می‌کنند. در این بستر، ورزشکار با مدیریت تصویر شخصی خود، انتشار لحظات روزمره، واکنش به رخدادهای اجتماعی و استفاده از زبانی صمیمی، پایبندی به اخلاق در میدان نبرد، به الگوهای ماندگار تبدیل شده‌اند.

این پیشینه فرهنگی سبب می‌شود که تماشاگر ایرانی، ناخودآگاه، از قهرمان ورزشی خود انتظاری فراتر از پیروزی داشته باشد. او می‌خواهد قهرمانش منش پهلوانی داشته باشد؛ به حریف احترام بگذارد، از غرور کاذب پرهیز کند، نسبت به مسائل و مشکلات ملی بی‌تفاوت نباشد، با مردم هم‌دلی کند و حتی در مواقعی، صدای بی‌صدایان جامعه باشد. براین اساس، ورزشکاری که صرفاً به کسب مدال اکتفا کند اما از این ارزش‌ها فاصله بگیرد، به‌سختی می‌تواند جایگاهی اسطوره‌ای یابد. در مقابل، ورزشکاری با منش پهلوانی — حتی با افتخارات کمتر — می‌تواند در دل مردم جای گیرد. به بیان دیگر، فرهنگ ایرانی به اسطوره‌های

عملکرد ورزشی تا چه حد برای اسطوره

شدن کافی است و چه عواملی این

مسیر را تکمیل می‌کند؟

عملکرد ورزشی در سطح مدال‌آوری جهانی و رکوردشکنی، شرطی ضروری برای ورود به مسیر اسطوره شدن است، اما به‌تنهایی برای تثبیت این جایگاه کفایت نمی‌کند.

ورزشکاری که صرفاً به افتخارات ورزشی تکیه دارد اما از نظر شخصیتی دچار فاصله با مردم یا حاشیه‌های اخلاقی است، معمولاً در حد یک قهرمان حرفه‌ای باقی می‌ماند و به اسطوره‌ای ماندگار تبدیل نمی‌شود. آنچه این مسیر را کامل می‌کند، مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی و فرهنگی است. روایت زندگی الهام‌بخش، مانند غلبه بر فقر یا دشواری‌های بزرگ، می‌تواند پیوند عاطفی عمیقی میان ورزشکار و مردم ایجاد کند. منش اخلاقی و پهلوانی - از جمله فروتنی، احترام به حریف و همدلی با هواداران - نقشی تعیین‌کننده در ارتقای جایگاه او دارد.

همچنین، هم‌زمانی رفتارهای ورزشکار با الگوهای اجتماعی ملی و واکنش‌های مردمی به‌سبب شخصیت استثنایی و تأثیرگذارشان، به آنها گرایش عاطفی پیدا می‌کنند. سوم، «بازنمایی رسانه‌ای» نقش مهمی ایفا می‌کند. رسانه‌ها — از

دسوسیما گرفته تا شبکه‌های اجتماعی — با بازنمایی لحظات پیروزی، شکست‌های دراماتیک، اشک‌ها و واکنش‌های انسانی و نیز رفتارهای فروتانه، ورزشکاران را از یک فرد عادی به نمادی اسطوره‌ای ارتقا می‌دهند. این فرآیند، رویداد ورزشی را از سطح یک واقعیت صرف، به روایتی معنادار، الهام‌بخش و گاه ایدئولوژیک تبدیل می‌کند. روایتی که می‌تواند حامل مفاهیمی چون همبستگی ملی یا همبستگی ملی بدل کند. در مجموع، اسطوره‌سازی در ورزش ایران نه پدیده‌ای تصادفی است و نه صرفاً حاصل عملکرد فنی؛ بلکه فرآیند تعاملی پیچیده میان سرمایه نمادین، گاریزمای فردی و بازنمایی رسانه‌ای است که همگی در چهارچوب ارزش‌های فرهنگی جامعه معنا پیدا می‌کنند.

نقش ویژگی‌های شخصیتی مانند

اخلاق، تواضع و رفتار اجتماعی

در تبدیل یک ورزشکار به اسطوره

چیست؟

نقش و ویژگی‌های شخصی در اسطوره‌سازی، به‌مراتب فراتر از یک عامل خوشایند یا حاشیه‌ای تزیینی است و حتی می‌تواند مسز میان یک قهرمان معمولی و یک اسطوره ماندگار را تعیین کند. در بستر فرهنگی ایرانی و اسلامی، که ارزش‌هایی چون تواضع، فروتنی، غیرت، وفای به عهد و همدردی با مردم جایگاهی محوری دارند، اخلاق و رفتار اجتماعی ورزشکار، به‌ویژه در قالب خود‌گردی و ورزشکاری که با وجود افتخارات بدل می‌شود.

تجربه اجتماعی نشان داده است که مردم ایران، با توجه به همین مؤلفه‌های فرهنگی، آمادگی دارند یک قهرمان با مثال‌های کمتراما برخوردار از منش اشک شوق بردمی‌ای در قلب خود جای دهند و او را به‌عنوان الگو بپذیرند. در مقابل، ورزشکاری که با وجود افتخارات فراوان، دچار غرور، خودبرتربینی و بی‌اعتنایی به هواداران است، حتی اگر رکوردشکنی کند، نمی‌تواند جایگاهی پایدار در حافظه جمعی پیدا کند و معمولاً حضوری کوتاه‌مدت و کم‌اثرب خواهد داشت. بنابراین، اخلاق و شخصیت نه‌تنها مکمل موفقیت ورزشی نیستند، بلکه در بسیاری از موارد، تعیین‌کننده تبدیل یک قهرمان به اسطوره ماندگار به‌شمار می‌آیند.

نقش نهاد‌های رسمی از جمله

فدراسیون‌ها در برجسته‌سازی برخی

است؟

نقش نهاد‌های رسمی بسیار گسترده و تعیین‌کننده است. این نهاد‌ها با تخصیص بودجه و امکانات بیشتر به برخی ورزشکاران، زمینه‌رشد و دیده‌شدن آنها را فراهم می‌کنند. همچنین، از طریق پوشش رسانه‌ای هد فمند، تبلیغات و تقدیرهای رسمی مانند اعطای نشان‌ها به نوعی سرمایه‌سازی نمادین می‌کنند. دست‌بر این، معرفی



ورزشکاری

که صرفاً به

افتخارات

ورزشی تکیه

دارد اما از نظر

شخصیتی

دچار فاصله

با مردم یا

حاشیه‌های

اخلاقی است،

معمولاً در حد

یک قهرمان

حرفه‌ای باقی

می‌ماند و به

اسطوره‌ای

ماندگار تبدیل

نمی‌شود

ورزشکاران در مراسم رسمی مانند برنامه‌های صبحگاهی مدارس یا استفاده از تصاویر آنان در کتاب‌های آموزشی، نقش مهمی در تثبیت جایگاه و محبوبیت آنها در ذهن جامعه، ویژه نسل جوان، ایفا می‌کند.

آیا شرایط خاص تاریخی-اجتماعی در

فرآیند اسطوره‌سازی نقش دارند؟

شرایط خاص تاریخی و اجتماعی نه‌تنها در این فرآیند نقش دارند، بلکه اغلب به‌عنوان موتور محرک عمل اسطوره‌سازی در ورزش ایران عمل می‌کنند. اسطوره‌ها زمانی برجسته‌تر می‌مانند جنگ تحمیلی، و ماندگارتر می‌شوند که جامعه با چالش‌هایی مانند جنگ تحمیلی، تحریم و شرایط خاص اقتصادی در برابر رقیبا مواجه باشد. در چنین موقعیت‌هایی، جامعه به‌طور ناخودآگاه به دنبال نمادهایی برای بازسازی غرور جمعی، تقویت همبستگی ملی و اثبات توانمندی خود در عرصه جهانی می‌گردد. در این شرایط، یک ورزشکار ممکن است از جایگاه یک قهرمان معمولی فراتر رفته و به نماد مقاومت و هویت ملی تبدیل شود. برای مثال، کنش‌هایی مانند خودداری از رقابت به نمایندگان برخی کشورها می‌تواند بار معنایی و سیاسی پیدا کرده

و به برجستگی بیشترآن ورزشکار منجر شود. همچنین اثر تصاویر و روایت‌ها به فعال یا اظهارنظرهای ورزشکاران می‌تواند برای آنها نوعی جایگاه در گفتمان ملی ایجاد کند. بازسازی روحیه جمعی، پاسخ به فشارها یا توهمین‌های خارجی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری «اسطوره‌های واکنشی» است. تقویت رفتار اخلاقی و سبک زندگی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

اگر یک قهرمان با دستاوردی معمولی، در زمانه‌ای خاص، به اسطوره‌ای فراتر از یک قهرمان صرف تبدیل می‌شود.

نقش «روایت‌سازی» در محبوبیت و

اسطوره‌شدن ورزشکاران چیست؟

روایت‌سازی، یعنی همان داستان‌پردازی از زندگی، رنج‌ها و مسیر موفقیت یک ورزشکار، شاید پس از خود عملکرد ورزشی، مهم‌ترین عامل در تبدیل او به یک اسطوره ماندگار در ذهن مردم باشد. خود روایت صرفاً با یک رکورد یا مدال ارتباط برقرار نمی‌کند، بلکه با «قصه‌ای» همدل می‌شوند که بتوانند خود را در آن ببینند و با آن همذات‌پنداری کنند؛ قصه‌ای که قابلیت بازگویی برای دیگران را هم داشته باشد. این روایت‌ها معمولاً ساختاری حماسی دارند: آغاز، چالش، اوج، فرود و در نهایت پیروزی. چنین

ساختاری بسیار ماندگارتر از فهرستی از مدال‌ها در ذهن مخاطب نقش می‌بندد. در این میان، رسانه‌ها و هواداران با گزینش و برجسته‌سازی لحظات دراماتیک زندگی ورزشکار - و گاه با اغراق یا نادیده گرفتن برخی ضعف‌ها - چهره‌ای الهام‌بخش و قابل‌باور از او می‌سازند.

کارکرد این اسطوره‌سازی، امیدبخشی، انگیزه‌آفرینی و تبدیل ورزشکار به نمادی از پیروزی اراده بر سرنوشت است. در فرهنگ ما، ورزشکاری که از «صفر» و بدون پشتوانه آغاز کرده، جایگاهی فراتر از قهرمانی دارد که صرفاً در مسیر هموار به موفقیت رسیده است. روایت‌سازی همچنین به ورزشکار امکان می‌دهد چهره‌ای انسانی، متواضع و «از جنس مردم» از خود ارائه دهد؛ کسی که می‌گوید: «من هم مثل شما سختی کشیده‌ام.» این امر فاصله میان او و مردم را از میان برمی‌دارد. عدال و رکورد، واقعیت‌های خشک قهرمانی‌اند، اما این روایت زندگی است که به آنها معنا و بار عاطفی می‌بخشد. وقتی طوفان‌های خود زندگی یک قهرمان دیده می‌شود، او دیگر صرفاً یک ورزشکار نیست، بلکه به «ناخدای امید» که نسل‌هایی مانند خودداری الهام‌بخش برای جوانان.

مهم‌ترین عواملی که باعث افول یا

تخریب جایگاه اسطوره‌های ورزشی در

ایران می‌شوند چیست؟

افول یا تخریب جایگاه یک اسطوره در ایران معمولاً نتیجه یک عامل واحد نیست، بلکه حاصل ترکیب عوامل درونی (مربوط به خود ورزشکار) و بیرونی (مرتبط با جامعه، رسانه‌ها یا حوادث خاص) است. نخست، تغییر رفتار اخلاقی و سبک زندگی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. اگر یک اسطوره دچار تکبر، بی‌احترامی به هواداران یا حرفیان، تحمل‌گرایی افراطی یا حتی فساد اخلاقی و مالی شود، مردمی که او را نماد پهلوانی می‌دانستند، به‌سرعت از او فاصله می‌گیرند و دچار دل‌زدگی می‌شوند. دوم، فاصله گرفتن از مردم است. اگر ورزشکار پس از شهرت، درها و مسائل طبقات مختلف جامعه را نادیده بگیرد، در مشکلات کشور سکوت کند یا بیش از حد در فضای اشرافی و دور از مردم دیده شود، سرمایه نمادین خود را از دست می‌دهد. سوم، افت عملکرد یا خداحافظی ناهنگام است. اصرار بر ماندن بیش از حد در حالی که مدت زمان زیادی از افول فنی ورزشکار گذشته باشد می‌تواند تصویر ذهنی مثبت مردم را مخدوش کند؛ از همین روه، بسیاری معتقدند خداحافظی در اوج اهمیت زیادی دارد. چهارم، حاشیه‌سازی

رسانه‌ای و افشاکاری‌های هدفمند است. به طوری که گاه رسانه‌ها یا جریان‌های رقیب با برجسته‌سازی یا افشای ابعاد پنهان زندگی یک ورزشکار، درصدد تخریب تصویر اسطوره‌ای او برمی‌آیند. پنجم، رفتار نادرست با هواداران، به‌ویژه نسل جوان است. واکنش‌های تند یا بی‌توجهی به احساسات هواداران می‌تواند به سرعت محبوبیت یک چهره را کاهش دهد. در فرهنگ ایرانی، به دلیل حافظه تاریخی قوی، گاه یک اشتباه بزرگ یا چند خطای کوچک می‌تواند اعتبار سال‌ها تلاش را در مدت کوتاهی از بین ببرد. به تعبیر رایج، اسطوره‌ها پرشانه‌های مردم ایستاده‌اند؛ اما اگر اعتماد مردم از دست برود، همان شانه‌ها به لرزه درمی‌آیند و سقوط از اوج، اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

حواشی تا چه حد در سقوط یک

اسطوره تأثیر دارند؟

در جامعه ایران، تأثیر حواشی در سقوط جایگاه اجتماعی اسطوره‌ها نقش بسیار مهمی دارد. دلایل این افول را می‌توان به چند عامل فرهنگی و ساختاری خلاصه کرد. عامل اصلی، انتظارات اخلاقی شديدي بالای مردم ایران از اسطوره‌هاست است. اسطوره در ذهن جمعی نه یک قهرمان معمولی، بلکه الگویی بی‌نقص و نماد پهلوانی به شمار می‌رود. بنابراین کوچک‌ترین خطای اخلاقی، بی‌احترامی در زندگی شخصی یا رفتار سنجشیده، به معنای سقوط از قله فصلیت تعبیر می‌شود. دوم، نبرد فرصت دوسویه در فارسی‌زبان به ویژه شبکه‌های اجتماعی، با بازیخشی بی‌وفاته آن حاشیه، ابداً همچون چکش بر پیکره اسطوره - نقش تخریب او دامن می‌زنند. نمونه‌های آن را در سال‌های اخیر در جامعه ورزش داشته‌ایم. سوم، نبود فرصت دوسویه در فرهنگ عمومی. برخلاف برخی فرهنگ‌ها که اسطوره‌ها پس از عذرخواهی صادقانه با تغییر رفتار معمولاً بخشیده می‌شوند، در فرهنگ ایرانی این کار بسیار دشوار است. هرچند مردم می‌بخشند، اما حاشیه اغلب به سندی مادام‌العمر علیه اسطوره تبدیل می‌شود. این نگاه سخت‌گیرانه، بخشی از فرهنگ کشور ماست. چهارم، همراهی اید‌های رسمی مانند فدراسیون‌ها است. برخورد‌های انضباطی، حذف تدریجی از برنامه‌های ملی یا برنامه‌هایی که بیشتر در اختیار این قهرمان بود، روند تخریب را سرعت می‌بخشد.

آیا عملکرد ضعیف در سال‌های پایانی

دوران حرفه‌ای می‌تواند به افول



اسطوره منجر شود؟

قطعاً، اما نه به سرعت حواشی اخلاقی؛ و نه در حدی که مردم آن را افتی طبیعی ناشی از افزایش سن یا مصدومیت بدانند- که معمولاً آن را می‌پذیرند- با این حال، اصرار بر ادامه دادن، به‌مرور می‌تواند بهانه‌جویی یا مقصر دانستن دیگران را در گرا این افول در میانه میدان با تکبر، کوچک ظرف چند ساعت به سراسر کشور می‌رسد. دیگر مانند قدیم نیست که حادثه‌ای مطرح شود، پس فردا روزنامه‌ها بنویسند و روز بعد از آن به دست مردم برسد. قضاوت جمعی نیز بدون امکان حذف یا فراموشی شکل می‌گیرد؛ بنابراین کار بسیار سریع انجام می‌شود. شبکه اجتماعی امروز، علاوه بر اینکه فرصت است، تهدیدی نیز تلقی می‌شود. برخلاف رسانه‌های رسمی که امکان مدیریت بحران و روایت‌سازی کنترل‌شده را دارند، شبکه‌های اجتماعی کاربران عادی خودشان قضاوت می‌کنند و با ارائه رأی و نظرها ن اغلب فرصت بازگشت را به اسطوره نمی‌دهند.

نقش شبکه‌های اجتماعی در تسریع

افول اسطوره‌ها را چگونه ارزیابی

می‌کنید؟

این نقش در واقع بسیار تعیین‌کننده و شتاب‌دهنده است. در فضای شبکه‌های اجتماعی، یک حاشیه یا یک اشتباه کوچک ظرف چند ساعت به سراسر کشور می‌رسد. دیگر مانند قدیم نیست که حادثه‌ای مطرح شود، پس فردا روزنامه‌ها بنویسند و روز بعد از آن به دست مردم برسد. قضاوت جمعی نیز بدون امکان حذف یا فراموشی شکل می‌گیرد؛ بنابراین کار بسیار سریع انجام می‌شود. شبکه اجتماعی امروز، علاوه بر اینکه فرصت است، تهدیدی نیز تلقی می‌شود. برخلاف رسانه‌های رسمی که امکان مدیریت بحران و روایت‌سازی کنترل‌شده را دارند، شبکه‌های اجتماعی کاربران عادی خودشان قضاوت می‌کنند و با ارائه رأی و نظرها ن اغلب فرصت بازگشت را به اسطوره نمی‌دهند.

نظام آموزش و استعدادیابی

ورزشی تا چه حد در تولید

اسطوره‌ها نقش دارد؟

این نقش بسیار زیربنایی و تعیین‌کننده است، اما به تنهایی کافی نیست. یک سیستم کارآمد می‌تواند استعدادها را از روستاها و حاشیه شهرها پیدا کند و پرورش دهد و به سطح قهرمانی برساند؛ بنابراین شرط لازم برای ورود به کارزار اسطوره‌شدن را فراهم می‌کند. اما اسطوره خودجوش‌تر از پرورش فنی است و نیازمند مؤلفه‌های فرهنگی، روایت‌سازی و منش فردی است که در درون نظام آموزشی نمی‌کنجد .

اسطوره‌سازی در ورزش ایران چه

تفاوتی با سایر کشورها دارد؟

تفاوت اصلی اسطوره‌سازی در ایران با بسیاری از کشورها، به پیوند عمیق کشور ما با ارزش‌های غیرورزشی برمی‌گردد. در بسیاری از کشورهای جهان، ارزش‌های ورزشی بیشتر مطرح هستند. مثلاً در کشورهای غربی، اسطوره ورزشی بیشتر خودجوش‌تر و آسیب‌پذیرتر می‌شود؛ در حالی که در ایران، برخلاف دنیا، اخلاق پهلوانی، فروتنی، غیرت ملی و همراهی با ارزش‌های دینی نقش محوری دارند. در کشورهای توسعه‌یافته، رسانه‌ها و صنعت ورزش به صورت حرفه‌ای اسطوره می‌سازند، اما در ایران این فرآیند معمولاً خودجوش‌تر، احساسی‌تر و آسیب‌پذیرتر است.

شاید تفاوت دیگری که درباره طول عمر اسطوره‌ها می‌توان مطرح کرد این باشد که در غرب، اسطوره‌ها با مدیریت رسانه‌ای می‌توانند ماندگار شوند، اما در ایران به دلیل تغییرات سریع ارزشی و نبود زیرساخت‌ها، حفظ اسطوره با افول و نزول سریع‌تری همراه می‌شود.

چرا اسطوره‌های ورزشی امروز

مانند گاری کمتری نسبت به گذشته

دارند؟

دلیل اصلی این پدیده را باید در شتاب بالای تولید و مصرف محتوا در عصر فناوری و شبکه‌های اجتماعی جست‌وجو کرد. در گذشته، اسطوره‌های مانند تختی یا چند قهرمانی و روایت‌های سینه‌به‌سینه ماندگار می‌شد؛ اما امروز حتی یک قهرمان المپیک ممکن است با یک مصاحبه نسنجیده یا انتشار ویدیویی چندثانیه‌ای از زندگی شخصی‌اش، در مدت کوتاهی اعتبار خود را از دست بدهد.